

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا کفار استعمارگر از حزب التحریر می‌ترسند؟

(ترجمه)

دوازدهمین کنفرانس سالانه خلافت، که توسط حزب التحریر-ولایه تونس برگزار شد؛ طوفان بی‌سابقه‌ای از محکومیت و نکوهش را علیه کمپاین سیکولران برانگیخت. سیکولران در این کمپاین تحریک‌آمیز خود، حزب را مورد تهاجم اتهامات و افتراءات بی‌اساس قرار دادند. سیکولران در این کمپاین، دعوت به سوی خلافت را تقبیح کرده و بر تمدن و مدنیت اشک ریختند و به حدی از حماقت رسیده‌اند که انحلال حزب را می‌طلبند. این سیکولران حاکمان و اهل قدرت را علیه جوانان حزب، حامیان و طرفداران آن تحریک می‌کنند. قیادت و رهبری این کمپاین رسانه‌ای را، رسانه‌ها و برخی از سازمان‌ها به اصطلاح جامعه مدنی، که ارتباط فکری و عضوی آن با استعمارگران پنهان نیست، بدوش داشتند و بصورت سیستماتیک تریبون‌های گفتگو و تیترهای روزنامه‌ها و عناوین اصلی آن به خدمت شان گذاشته شد.

چرا تحریک علیه حزب؟ مگر سیکولران مدافع آزادی عقیده و اندیشه نیستند؟! آیا قبلاً نگفته‌اند که هر فکری تا زمانی‌که پیروان آن دست به خشونت نبرده و به سوی خشونت دعوت نکنند، مقبول و پذیرفتنی است؛ این در حالی است که آنان شاهدند که حزب التحریر از خشونت استفاده نکرده و به خشونت دعوت نمی‌کند؛ پس چرا علیه حزب و دعوتش به سوی خلافت تحریک می‌کنند؟ چرا پولیس را علیه جوانان حزب اغوا می‌کنند؟ چرا سعی دارند از برگزاری کنفرانس سالانه‌ی خلافت جلوگیری کنند؟

آن‌ها می‌گویند که خلافت مفکوره علیه تمدن و جمهوریت و ارزش‌های آن بوده و خطری است علیه دولت ملت. بنابر این، ترس شان را از خلافت به صراحت اظهار کردند.

آیا خلافت وحشتناک است؟ چه کسی از خلافت می‌ترسد؟

خلافت، حاکمیت اسلام و از سرگیری زنده‌گی اسلامی است؛ چنان‌که نخستین بار توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم تأسیس شد. خلافت منجی بشریت بوده و تمام علمای امت بر وجوب آن اتفاق نظر دارند. پس وقتی خلافت، تجسم بخشیدن عملی اسلام در زندگی است و مردم تونس هم مسلمان هستند، پس آیا خلافت برای مسلمانان وحشتناک است؟ قطعاً که چنین نیست؛ زیرا افکار عمومی حاکم در تونس، از حکم بم‌انزل الله شدیداً حمایت می‌کند و اگر به تونس بروید و درباره حکم بم‌انزل الله بپرسید، هرگز مخالفی نمی‌یابید؛ بلکه با موافقینی روبرو می‌شوید که از الله سبحانه و تعالی خواهان آمدن روزی هستند که اسلام با شریعت عادلش در آن حاکم گردد. آنچه قوت این فکر را برای تان ثابت می‌کند و تنها در حد آرمان نیست، اینست که سیاستمداران سیکولر و کمونس‌ها (مخصوصاً در اوائل انقلاب) دیگر نمی‌توانند که آشکارا علیه اسلام خصومت کنند و هرکسی‌که با اسلام رقابت کند، سقوط کرده و از اعتبار خواهد افتاد.

بنابر این، چه کسی از خلافت و اسلام می‌ترسد؟ کدر سیاسی سکولار را که استعمارگران در بطن تونس ساخت و بالای زندگی سیاسی تونس حاکم شان گشتاند، بعد از آن‌که بیشتر از شصت سال حاکمیت کردند، اعتماد خود را در نزد مردم از دست دادند؛ در کل سکولاریزم را با تمام الوان و اشکال آن تجربه کردند، از جمله دیکتاتوری، دیموکراسی، تدینی و غیرتدینی. در نهایت، چیزی جز درد و رنج را نصیب نشدند؛ لذا سیکولریزم را نپذیرفتند و بر آن انقلاب کرده و اصل نظام را سرنگون کردند. این انقلاب همچنان جریان داشته و قصد دارد به فرارگاه خود، یعنی تغییر واقعی که متضمن آزادی تام و فراگیر از سلطه استعمارگر و وابستگی ذلیلانه بوده و همچنان متضمن تغییری است که برای امت سیادت و رهبری را تضمین کرده تا به مقام بهترین امت دوباره نایل گردد. اما سیکولران، فاقد این دیدگاه بوده و جز وابستگی و متابعت فکری و سیاسی چیزی بیش بلد نیستند و از حاکمیت و سیاست جز وابستگی و متابعت تحقیرآمیز از آنچه ارباباب شان از آن سوی دریاها فرمان می‌دهند، نیز چیزی بلد نیستند.

این وضعیت در تونس و دیگر سرزمین‌های اسلامی، همان چیزی است که کدر سیاسی مردار؛ بلکه سازندگان را نیز به اضطراب و وحشت انداخته است؛ زیرا ابزار آن (کدر سیاسی سیکولریزم) قدرت خود را با وجود تمام دسائس و نیرنگ‌هایش در بازار مردم و در گمراه سازی آن‌ها از دست داده است و دو خطر، وضعیت استعمارگران را تهدید می‌کند:

- خطر انقلاب جاری، که تمام تونس و احزاب آن را فرا گرفته است.
- خطر وجود بدیل واقعی، یعنی اسلام و خلافت، که حزب التحریر آن را تبلور بخشیده و مردم، جوانان حزب، صداقت و امانت‌داری شان را شناخته و از آنان فهم سلیم نسبت به اسلام دیده و دانسته اند که این جوانان، می‌توانند بازی‌ها و دسائس دولت‌ها را درک کرده و برملا سازند. خلافت در بین مسلمانان بر نخواهد گشت؛ مگر این‌که اهل قدرت و متنفذین، دست از حمایت مزدوران کشیده و در کنار دین، امت و رهبریت شان (حزب التحریر) بایستند؛ حزبی که نمایان بوده و همگی، جوانان و افرادش را می‌شناسند. حزب التحریر برای غرب، نظر به دلایل زیر بسیار خطرناک و حایز اهمیت است:
- زیرا ظهور حزب التحریر، سعی جنایت‌کارانه شان را در راستای نابودی اسلام از صحنه زنده‌گی خنثی کرد. غرب بعد از آن‌که گمان کرد خلافت و اسلام را از بین برده است؛ امروزه شاهد آنست که مفکوره خلافت‌خواهی در سطح جهان و در تونس، که نقطه آغاز انقلاب مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی است، عام و فراگیر شده است. بلی، غرب می‌بیند و ندای آن را در تونس، شام، اندونیزیا، پاکستان و افغانستان می‌شنود و مسلمانان و کسانی که با آتش سرمایه‌داری در هر مکان در حال سوختن هستند، ندای آن را در همه جا می‌شنوند.
- زیرا خلافتی که حزب التحریر بسوی دعوت می‌کند، خلافت بر منهج نبوت، یعنی دولتی است که در داخل اسلام را تطبیق کرده و با دعوت و جهاد، سعی دارد بشریت را از جرائم سرمایه‌داری نجات دهد.
- زیرا بازگشت خلافت تنها یک مفکوره نیست؛ بلکه خلافت دولت جهانی است که می‌خواهد رهبری جهان را دوباره به دست گیرد و آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع کردند، ادامه بخشد. بلی، خلافت به دوران تاریک، که با وستفالیای در سال 1648م. شروع شد و با توافق‌نامه‌های سایکس-پیکو استوار گردید، پایان خواهد بخشید و این بازگشت اسلام به عنوان قدرت جهانی توسط خلافت، غرب را مضطرب و نگران ساخته است.

برخی خواهند گفت که شما در رعب و خوف غرب نسبت به آمدن دولت خلافت زیاده‌روی و مبالغه می‌کنید. در پاسخ باید گفت: اظهارات شان بیانگر ترس و هراس شان بوده و آن‌ها از تغییر نظم جهانی و متلاشی شدن بنیان بد که در وستفالیای سپس در سایکس پیکو و همانندانش تأسیس کردند، هراسان هستند. این "هنری کیسنجر" است که پایان دوران وستفالیای را احساس کرده و در کنفرانس‌ها و مقالات خود از پایان قریب الوقوع آن خبر می‌دهد. این "زینوباران" است که در تحقیقی از حزب التحریر در سال 2004م علیه آن هشدار داده و گفته است که خطر حزب در وجودش پنهان است؛ زیرا وی "ایدیولوژی" الهام‌بخشی را پدید آورده است، (اسلام) بدیل حقیقی برای سرمایه‌داری، که شاید مردم بعد از سقوط کمونیزم و شکست وی در مبارزه با سیکولریزم بسوی آن روی آورند. علاوه بر این، دفاتر تصمیم‌گیری دولت‌های بزرگ مملو از گزارشات درباره حزب التحریر و خلافت و چگونگی جلوگیری از موفقیت آن در راستای اقامه خلافت است.

بر این اساس، ترس از حزب التحریر در تونس و دیگر سرزمین‌های اسلامی واقعی بوده و این ترس، تنها پیروان و مزدوران را در برنگرفته است؛ زیرا آن‌ها منحنی بوده و بصیرت و بینایی شان را از دست داده اند، جز مزدور چیزی بیش نیستند و فقط همان چیزی را می‌دانند که برای شان فرمان داده می‌شود؛ بلکه ترس از حزب، در راهروهای کاخ سفید و در دفاتر مطالعات استراتژیک استعمارگران، که پیشرفت حزب و خلافت را می‌بینند، نهفته است. ازین‌رو، آن‌ها به گمان این‌که می‌توانند جلو حزب و دعوتش را بگیرند؛ کسانی را که به شدت به حزب حمله می‌کنند، حمایت کرده و آنان را پشتیبانی می‌کنند، می‌خواهند که نظام شان را استمرار بخشیده و ارزش‌های معنوی امت را متلاشی سازند و اراده شان را با قحطی و تحقیر شکست‌انده و شخصیت رهبر مخلص و وفادار امت (حزب التحریر) را مخدوش نموده و مردم را نسبت به آن در فتنه اندازند؛ غافل از آن‌که خلافت تنها کار حزبی و کار حزب التحریر نبوده؛ بلکه امر الله سبحانه و تعالی و خواسته وی برای بندگانش بوده و آنچه را که وی بخواهد انجام شدمی و وعده او راست و پایرجاست.

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور:

[55

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان و وارث فرماندهی و حکومت شان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان سازند)؛ همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از ایشان (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین دین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد؛ (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌گردانند. بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دایره ایمان و اسلام) بشمار رفته (مرتدان و متمردان حقیقی بشمار می‌روند).

برگرفته از شماره ۴۳۴ جریده الرایه

نویسنده: استاد محمد الناصر شویخه

مترجم: محمد مزمل